محمود فاضلی
دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل

اردوغان نامزد دریافت جایزه صلح نوبل

مصطفی سنتوپ، رئیس پارلمان ترکیه، اعلام کرد: «اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه را به دلیل تلاش‌هایش در راه برقراری صلح بین روسیه و اوکراین برای دریافت جایزه صلح نوبل نامزد کرده‌ام. این درخواست خود من است. درخواست‌هایی از کشورهای دیگر نیز مطرح خواهد شد». اردوغان اخیرا پس از گفت‌وگوی تلفنی خود با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، اعلام کرد آنکارا برای پشت سر گذاشتن ماه‌های زمستان سخت، به کی‌یف کمک‌های بشردوستانه تحویل خواهد داد. طرف اوکراینی نیز از اردوغان برای دادن پناه به کودکان اوکراین و ارائه صدها ژنراتور برای شهرهای این کشور تشکر کرد. ترکیه در چارچوب مناسبات دوستانه نزدیک با رهبران هر دو کشور (اوکراین و روسیه) موفق شد ملاقات‌های مختلفی را در اوکراین سازمان‌دهی کرده و طرح «توافق غلات» و تبادل اسرا میان روسیه و اوکراین و امکان حل‌وفصل دیپلماتیک اختلافات را پیگیری کند. در چارچوب طرح «توافق غلات»، صادرات بیش از ۱۱ میلیون تن محصولات کشاورزی از بنادر دریای سیاه اوکراین میسر شد. اردوغان امیدوار است تمدید این طرح به مدت ۱۲۰ روز از تاریخ ۱۹ نوامبر سال جاری، به مردم کشورهای آفریقایی برای حل معضل در حوزه مواد غذایی کمک کند. سخنان رئیس مجلس ترکیه در حالی است که این کشور خود را برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آماده می‌کند و نظرسنجی‌ها از شرایط دشوار وی برای پیروزی در انتخابات سخن می‌گوید. نتایج نظرسنجی مؤسسه «آرتی‌بیر» نشان می‌دهد مردم ترکیه در مقابل این پرسش که اگر این یکشنبه انتخابات برگزار شود، به کدام‌یک از نامزدهای ریاست‌جمهوری رأی می‌دهید؟ ۴۳،۶ درصد کمال کلیچداراوغلو و ۳۹،۴ درصد اردوغان را ترجیح داده‌اند. ۳۰،۲ درصد اساسا موافق نامزدشدن اردوغان و ۵۶،۳ درصد مخالف هستند. همچنین پرسش‌شوندگان در پاسخ به اینکه اگر این یکشنبه انتخابات عمومی برگزار شود، به کدام حزب رأی می‌دهید؟ ۳۰،۶ درصد حزب عدالت و توسعه و ۲۸،۱ درصد حزب جمهوری خلق را ترجیح می‌دهند. اردوغان در حالی نامزد دریافت جایزه صلح نوبل می‌شود که این کشور با نقض حاکمیت ارضی سوریه و عراق، عملیات نظامی را در خاک این کشورها صورت می‌دهد. ترکیه از ۲۰ نوامبر عملیات هوایی موسوم به «پنجه شمشیر» را علیه گروه تروریستی پ‌ک‌ک در شمال عراق و شبه‌نظامیان کُرد «یگان‌های مدافع خلق» یا ی‌پ‌گ در شمال سوریه آغاز کرده است. اردوغان که از احتمال آغاز عملیات فرامرزی در سوریه خبر می‌دهد، تأکید دارد: «برای از بین بردن کامل تهدیدهایی که از طرف سوریه متوجه کشورمان است، گام‌های جدیدی که شکاف‌های خط امنیتی ما را به عمق ۳۰ کیلومتر پر خواهد کرد، برخواهیم داشت. با افزایش تعداد عملیات علیه سازمان تروریستی تجزیه‌طلب به ۱۲۴ هزار و کاهش مشارکت در این سازمان به حداقل ارقام، اجازه نفس‌کشیدن به تروریست‌ها را ندادیم. ما بزرگ‌ترین عملیات تاریخ جمهوری را در آن سوی مرز انجام داده و برای حفاظت از مرزهای زمینی خود، تمامی امکانات فناوری و نیروی انسانی را به کار گرفتیم. ما به اجرای استراتژی ریشه‌کن‌کردن تروریسم در منشأ آن قاطعانه در سراسر مرزهای جنوبی خود ادامه خواهیم داد. کشورهای اسلامی برای رهایی سوریه از گرداب درگیری، بحران انسانی و معضل تروریسم، باید اراده قوی‌تری داشته باشند و فعالانه از تلاش‌ها برای دستیابی به راه‌حل سیاسی در این کشور حمایت کنند». به اعتقاد اردوغان، بشریت در مواجهه با بحران سوریه، آزمون خوبی را پشت سر نگذاشت. کشورها و نهادهای غربی تنها زمانی که پناهندگان پشت مرزهایشان رسیدند، درباره تراژدی انسانی در سوریه صدایشان را بلند کردند و به جای یافتن راه‌حل این بحران، واکنش آنها در زندانی‌کردن مهاجران پشت سیم‌های خاردار، تجلی پیدا کرد. کسانی که از محرومان خارج از مرزهایشان غفلت می‌کنند، وقتی پای امنیت و مصونیت خودشان در بین باشد، «ابتدایی‌ترین نمونه‌های فاشیسم» را به نمایش می‌گذارند. ما با میزبانی از بیش از ۳،۵ میلیون آواره سوری و حمایت از میلیون‌ها نفر از آنان در داخل مرزهای سوریه به وظیفه برادری خود عمل می‌کنیم. اردوغان همچنین در یک سال اخیر بیشترین تنش را با یونان به‌عنوان همسایه خود داشته و از رویکرد این کشور در قبال مهاجران انتقاد می‌کند. به باور او، نگاه و نحوه برخورد آتن با مهاجران به مرحله بی‌رحمی رسیده و متأسفانه کشورهای غربی به این قساوت یونان هیچ پاسخی نمی‌دهند. از بی‌تفاوتی به تصاویر جانگداز مرزی و پناهگاه‌های پناه‌جویان که شبیه به اردوگاه‌های آلمان نازی است، عمیقا متأثر شدیم. در مبارزه با تروریست‌ها نیز با پنهان‌شدن پشت عبارت «پناه‌جوی سیاسی»، رویکردی مشابه را نظاره می‌کنیم. اردوغان همچنین با اعلام حمایت ترکیه از حل‌وفصل مسئله فلسطین در چارچوب تشکیل کشور مستقل فلسطین مطابق با مرزهای ۱۹۶۷ مدعی است همه تلاش خود را به منظور دستیابی ملت فلسطین به کشور و حقوق مشروع خود و حفظ موقعیت قدس و مسجدالاقصی انجام می‌دهد.

مصونیت دو عضو دیگر پارلمان اروپا در پی تحقیقات بلژیک لغو می‌شود

سلاح گازی دوحه علیه «قطرگیت»

تحقیقات در پرونده رسوایی «قطرگیت» باعث لغو مصونیت دو عضو دیگر پارلمان اروپا شده است و این مسئله می‌تواند تنش میان اتحادیه اروپا و قطر به‌عنوان یکی از منابع تأمین انرژی این بلوک را افزایش دهد. «روبرتو متسولا» رئیس پارلمان اروپا خبر داده که درخواست قوه قضائیه بلژیک برای بررسی رسوایی فساد اتحادیه اروپا و قطر را پذیرفته و روند لغو مصونیت دو نفر دیگر از اعضای خود را آغاز کرده است. خانم متسولا از همه گروه‌ها و کمیته‌ها خواسته است تا روند لغو مصونیت این افراد را در اولویت کاری خود قرار دهند تا بلکه روز ۱۳ فوریه بتوانند این تصمیم را اجرائی کنند. رسوایی موسوم به «قطرگیت» در دسامبر ۲۰۲۲ هم‌زمان با دستگیری «اوا کایلی» نماینده یونانی‌تبار پارلمان اروپا خبرساز شد. کایلی به دریافت مبالغ هنگفت برای پیشبرد منافع قطر و مراکش در پارلمان اروپا متهم است.

با وجود آنکه رئیس پارلمان اروپا رسما نام این دو عضو پارلمان را ذکر نکرده و بخش مطبوعاتی پارلمان اتحادیه اروپا هم اشاره‌ای به هویت دو نماینده پارلمان اروپا که قرار است مصونیت آنها لغو شود، نکرده است اما رویترز در گزارشی نوشته است این افراد احتمالا «آندره‌آ کوتزولینو» نماینده ایتالیایی و «مارک تارابلا» نماینده بلژیکی این پارلمان هستند. هر دو عضو گروه پارلمانی سوسیال‌دموکرات و چپ میانه هستند. این افراد پیش‌تر هرگونه ارتباطی با این پرونده را رد کرده بودند؛ بااین‌حال خانه تارابلا مورد بازرسی قرار گرفته بود. کوتزولینو هم برای نشان‌دادن همکاری خود با این پرونده، آمادگی‌اش را برای برداشته‌شدن مصونیت قضائی خود اعلام کرده بود.

متهم اصلی این پرونده «اوا کایلی» نیز تعطیلات کریسمس خود را پشت میله‌های زندان گذراند؛ او پس از تفهیم اتهام از سمت معاونت رئیس پارلمان اتحادیه اروپا تعلیق شده است. اوا کایلی نیز پیش‌ازاین از مصونیت در برابر پیگرد قضائی برخوردار بود اما از آنجا که گفته شده پلیس بلژیک توانسته او را حین ارتکاب جرم و با کیسه‌های بزرگ پول نقد در خانه‌اش بازداشت کند، بر اساس قوانین اتحادیه اروپا شرایط مصونیت پارلمانی او خودبه‌خود از او سلب شد.

این تحولات در پی مجموعه بازرسی‌های سرزده پلیس بلژیک در دسامبر ۲۰۲۲ رخ می‌دهد. پلیس بلژیک در این عملیات، خانه‌های برخی از اعضای کنونی و پیشین پارلمان اروپا و لابی‌هایی را که به دریافت رشوه نقدی بیش از ۱.۵ میلیون یورو (۱.۶ میلیون دلار) متهم شده‌اند، بازرسی کرد. گمان می‌رود این مبالغ را قطر پرداخته باشد؛ درحالی‌که این کشور هرگونه دست‌داشتن در این رسوایی را رد کرده است.

رئیس پارلمان اروپا این رسوایی را نمونه حمله‌ای خارجی به دموکراسی اروپا می‌داند. او وعده داد که اصلاحاتی را برای پاک‌سازی پارلمان، ازجمله ممنوعیت فعالیت تمام «گروه‌های دوستی غیررسمی» با دولت‌های خارجی و نیز افزایش بررسی وضعیت مالی اعضای پارلمان اروپا انجام دهد. در بیانیه پارلمان اروپا آمده است که متسولا در جلسه آینده پارلمان در ۱۶ ژانویه، گام‌های بعدی را در زمینه لغو مصونیت اعضای پارلمان اعلام خواهد کرد. در مرحله بعد، موضوع به کمیته حقوقی پارلمان ارجاع می‌شود و پس از آن، برای تصمیم‌گیری نهایی به پارلمان فرستاده می‌شود. متسولا خواسته است که این روند تا ۱۳ فوریه به پایان برسد.

در آن سو، قطر با اشاره به نیاز اروپا به گاز طبیعی این کشور با وجود تحریم گاز روسیه، قصد دارد مانع از ادامه روند این تحقیقات شود. این کشور اخیرا تحقیقات بلژیک در زمینه فساد و تعلیق دسترسی قطر به پارلمان اتحادیه اروپا را محکوم کرد و گفت که این اقدام می‌تواند بر روابط دوجانبه و عرضه گاز طبیعی، تأثیر منفی داشته باشد. به گزارش خبرگزاری فرانسه و براساس بیانیه‌ای که یک دیپلمات قطری صادر کرده، مقام‌های بلژیک را به دلیل انتقاد از قطر و اصرار آنان به استفاده از اطلاعات «نادرست» هدف انتقاد قرار داد. در بخشی از بیانیه این دیپلمات چنین آمده است: «تصمیم برای اعمال چنین محدودیت تبعیض‌آمیزی که گفت‌وگو و همکاری با قطر را قبل از پایان روند قانونی محدود می‌کند، بر همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی و نیز بحث‌های جاری پیرامون کمبود انرژی و امنیت جهانی، تأثیر منفی خواهد گذاشت».

این رسوایی که به «قطرگیت» مشهور شده، در دوره‌ای بالا گرفته است که بسیاری از کشورهای اروپایی برای تأمین گاز طبیعی، به قطر به‌عنوان جایگزین روسیه چشم دوخته‌اند. قطر همچنین یکی از کشورهای در تماس با طالبان بوده است که در پی به‌قدرت‌رسیدن طالبان در افغانستان به خروج هزاران شهروند اروپایی از این کشور کمک کرده است.

بیانیه قطر همچنین «قاطعانه» ادعاهایی را که دولت قطر را با «رفتارهای نادرست مرتبط می‌کند» رد کرد. این دیپلمات قطری که نامش ذکر نشده در بیانیه خود نوشت که کشور متبوعش تنها طرفی نیست که در این تحقیقات از آنها نام برده شده، اما منحصرا هدف انتقاد و حمله قرار گرفته است. دادستان‌های بلژیکی می‌گویند از بیش از یک سال قبل از یورش‌ها و دستگیری‌های اخیر، درباره فساد در پارلمان اروپا تحقیق کرده‌اند. قطر در ماه‌های اخیر رویارویی دیپلماتیکی نیز با آلمان داشت. پس از ابراز تردید وزیر کشور آلمان درباره میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال به دلیل رفتار قطر با کارگران خارجی، دوحه سفیر آلمان در این کشور را احضار کرد.

بازپس‌گیری جزایر و تحکیم حاکمیت ایران

ادامه از صفحه اول

در پی بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه، چهار کشور رادیکال عربی وقت، یمن جنوبی، لیبی، عراق و الجزایر از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کردند تا به آنچه آنها «موقعیت خطرناک به‌وجودآمده در خلیج فارس (اسم مجعول) به واسطه اشغال ابوموسی و تنب‌ها توسط نیروهای مسلح ایران» خوانده بودند، رسیدگی کند. این درخواست اجابت شد و شورای امنیت در تاریخ نهم دسامبر ۱۹۷۱ تشکیل جلسه داد. در آن جلسه نمایندگان چهار کشور عربی مزبور و نماینده ایران مطالب خود را اظهار کردند تا نوبت به سِر کولین کراو (sir colin crowe)، نماینده وقت انگلیس در سازمان ملل متحد رسید. او چکیده موضع دولت متبوعش را در یک جمله خلاصه کرد که به این شرح است: «حل‌وفصل موضوع بحرین، استقلال قطر، ایجاد امارات عربی متحده و توافق ایران و شارجه درخصوص ابوموسی، اساس معقول و قابل قبولی برای آینده امنیت منطقه به وجود آورد». جالب آنکه در پایان نشست مزبور، نماینده یک کشور عربی (سومالی) پیشنهاد کرد که «شورا بررسی موضوع مورد بحث را به زمان دیگری موکول کند تا فرصت کافی جهت بهره‌برداری از دیپلماسی آرام فراهم آید». لازم به یادآوری است که در عالم سیاست و دیپلماسی، تقاضاهایی از این دست معنای واضحی دارد و آن عبور از موضوع در دستور کار قرارگرفته است. باز هم جالب‌تر آنکه پیشنهاد سومالی چون مورد مخالفت هیچ کشوری قرار نگرفت، رئیس وقت شورای امنیت با آن موافقت کرد. چهار کشور مزبور که هنوز ۲۴ ساعت از تصرف جزایر سه‌گانه نگذشته بود، مبادرت به شکایت از ایران کرده بودند، بعد از آن هیچ اقدامی از این دست انجام ندادند و موضوع شکایت خود را هم پیگیری نکردند. آنها در عوض در راستای انجام اقداماتی ایذایی و از باب تشفی خاطر، بنا را بر این گذاشتند که شیخ زاید را تحریک کنند که جلوی شاه بایستد. اوج این فشارها در اجلاس سران کشورهای عرب در لیبی که به فاصله کوتاهی بعد از ایجاد امارت عربی متحده برگزار شد، اتفاق افتاد. در آن اجلاس میزبان رادیکال مسئله جزایر را در بیانیه پایانی می‌گنجاند و شیخ زاید هم خواسته یا ناخواسته پای آن را امضا می‌کند.

با گذشت بیش از هفت ماه از زمان شکایت چهار کشور رادیکال عرب، ۱۱۵ کشور عرب با ارسال یادداشتی به شورای امنیت در تاریخ ۱۸ جولای ۱۹۷۲ (برابر با ۲۷ تیر ۱۳۵۱) خواهان پیگیری شکایت آن چهار کشور شدند. نماینده وقت ایران در واکنش به این یادداشت، ضمن دفاع از تجدید حاکمیت ایران بر جزایر، اعلام کرد دولت متبوعش این پرونده را مختومه می‌داند. متعاقبا، شورای امنیت با اختیارکردن سکوت کامل، عملا رسیدگی به پرونده مورد بحث را از دستور کار خارج کرد؛ ضمن آنکه چند مورد تلاش پراکنده بعد از آن توسط عراق و امارات هم بی‌نتیجه ماند.

بررسی رویدادها و تحولات پیش‌گفته از منظر حقوقی و رویه‌های سیاسی و دیپلماتیک، به‌ویژه ناظر به آنچه مربوط به شورای امنیت سازمان ملل است و اظهارات تاریخی نماینده انگلیس در سازمان ملل متحد هنگام رسیدگی به شکایت چهار کشور رادیکال عرب وقت که پیام روشن دومینوی حکومت‌های تازه‌شکل‌گرفته را جار می‌زند، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که شورای امنیت سازمان ملل متحد عملا بیش از نیم‌قرن است تسلط و حاکمیت ایران بر سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی را مورد پذیرش ضمنی (acquiescence) قرار داده است. این در حالی است که از زمان تغییر رژیم در ایران که اینک نزدیک به ۴۴ سال از آن می‌گذرد، با وجود رابطه سرد جمهوری اسلامی ایران با آن شورا، این نهاد همچنان استرداد جزایر سه‌گانه توسط ایران و استقرار نیروهای آن در جزایر مزبور را به‌هیچ‌وجه مخل امنیت و صلح بین‌المللی (حوزه مأموریت ذاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد) ندانسته است. نکته حائز اهمیت دیگر آنکه حتی رابطه ستیهندگی (آنتاگونیستی) تهران و واشنگتن در بعد از انقلاب هم باعث نشد آمریکا به‌عنوان پرنفوذترین کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای بردن پرونده جزایر به شورای امنیت کوچک‌ترین انگیزه و تحرکی از خود نشان بدهد. بدیهی است که اگر پرونده جزایر در شورای امنیت در پی نافرجام‌ماندن شکایت چهار کشور رادیکال عرب وقت با درخواست ایران و اراده جامعه بین‌الملل به طور قطعی بسته نشده بود، چه‌بسا واشنگتن برای اعمال فشار ملهم از انگیزه سیاسی روی ایران بعد از انقلاب حداقل در این رابطه از خود تحرکی نشان می‌داد.

برقراری رابطه سیاسی بین تهران- ابوظبی؛ پایان رسمی مخالفت‌ها

برقراری روابط سیاسی ایران با کشور تازه‌تأسیس امارات عربی متحده در پی ۹ ماه مذاکره بین دو کشور که از دسامبر ۱۹۷۱ آغاز شد، صورت گرفت. مذاکرات را از طرف ایران امیرخسرو افشار و از جانب امارات مهدی تاجر نمایندگی می‌کردند و در مواردی، السویدی، وزیر خارجه وقت امارات و شخص شیخ زاید، رئیس امارات هم در آن مشارکت می‌جستند. دلیل طولانی‌شدن این بود که شاه از اعلامیه‌های شیخ زاید به‌شدت رنجیده‌خاطر بود و از او انتظار داشت درصدد جبران باشد. این در حالی بود که رئیس کشور تازه استقلال‌یافته امارات در معرض شماتت رهبران رادیکال عرب هم قرار داشت. سفر شیخ زاید به انگلیس در اواخر تابستان ۱۹۷۲ و استقرار وی در ویلای اختصاصی‌اش در ساسکس فرصتی به وجود آورد تا افشار موضوع برقراری روابط دوجانبه را با شخص او دنبال کند. دولت انگلیس در این دور مذاکرات مشارکت فعالی داشت و ملاقات‌هایی بین زاید و داگلاس هیوم، وزیر خارجه وقت آن کشور را ترتیب داد. در همین اثنا، افشار پیش‌نویس اعلامیه برقراری روابط سیاسی بین تهران و ابوظبی را تهیه کرد و به اطلاع طرف انگلیسی و نیز مهدی تاجر رساند. در ابتدای این پیش‌نویس به «وجود روابط دوستانه و تثبیت‌شده حاکم بین دو کشور» اشاره شده و در پایان هم عبارت «دولت امارات عربی متحده با توجه به اینکه اختلاف‌نظری بین دولتین وجود ندارد، نیات دولت شاهنشاهی را تأیید می‌کند»، آورده شده بود. علت درج کلمه «تثبیت‌شده» در ابتدای اعلامیه این بود که طرف اماراتی اذعان کند که مشکلی (و مشخصا بر سر جزایر) بین کشورش و ایران وجود ندارد و به لحاظ حقوقی خود را مأخوذ به آن کند. اهمیت درج کلمه «تثبیت‌شده» از اینجا معلوم می‌شود که سِر دنیس رایت، سفیر وقت انگلیس در تهران، وقتی پیش‌نویس اعلامیه را خواند از افشار پرسید که معنی آن کلمه چیست؛ پرسشی که با این پاسخ مذاکره‌کننده ایرانی روبه‌رو شد: «در سطور سفید پیش‌نویس، نوشته شده است». البته در خطوط سیاه همان پیش‌نویس هم به نبود اختلاف بین دولت‌های ایران و امارات که به عبارت ضمنی از اختلاف‌نداشتن بر سر جزایر حکایت می‌کرد، تصریح شده بود. اعلامیه برقراری روابط سیاسی ایران- امارات سرانجام در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۵۱ توسط شیخ زاید در همان محل اقامتگاه او در شهر ساسکس به امضا رسید و از طرف ایران هم امیرخسرو افشار آن را امضا کرد. به این ترتیب، امارات عملا و رسما تأیید کرد که با تهران اختلافی ندارد.

مورد مهم دیگری که در راستای پذیرش اعمال مجدد حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه توسط کشور امارات می‌توان برشمرد، همانا در رابطه با سفر رسمی شیخ زاید در مقام حاکم ابوظبی و رئیس کشور امارات عربی متحده به ایران از تاریخ ۱۵ تا ۱۸ آذرماه ۱۳۵۴، چهار سال پس از بازگشت جزایر تنب و ابوموسی به سرزمین مادری است. نکته مهم دیدار مزبور این بود که در آن هیچ حرفی راجع به جزایر زده نشد. فارغ از نفس سفر دوجانبه بلندپایه‌ترین مقام یک کشور که اهمیت خاص خود را دارد، اینکه در دیدار رهبران دو کشور صرفا به روابط دوجانبه پرداخته شد و هیچ اشاره‌ای به موضوع جزایر نشد، از آن حکایت داشت که طرف اماراتی بحث قبلا اختلافی جزایر را از دستور کار روابط خود با تهران خارج کرده و به عبارتی آن را پایان‌یافته قلمداد کرده بود.

برگ سبز **خودرو فیدلیتی پرایم** رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۵۳۱ ن ۳۶ ایران ۲۷ و شماره موتور SQRE4T15C*BJNF61035 و شماره شاسی NAGC1AB49N1011258 به نام **نسرین آذر برزین** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه کسب **شرکت مهندسی اهتمام رایانه** با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۵۱۴۷۳ و شناسه صنفی ۰۴۶۶۱۶۵۳۸۳ به همراه کارت مباشر مربوطه از تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی (فاکتور فروش) **خودرو پژو 206TU3** رنگ سفید مدل ۱۳۹۷ به شماره موتور 165A0148696 و شماره شاسی NAAP03EE8JJ545257 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR